

”خودداری در دادن یک رای، گفتن یک ”نه“ به حاکمیت استبداد است.“

– شاپور سورنپهلو

هفت روز دیگر، رژیم جمهوری استبداد مذهبی مردم ساده دل و زودبار را پای صندوق رای گیری های نمایشی رژیم می کشاند تا قصاب محبوب خود را برای چهار سال دیگر برگزینند، بدون آن که متوجه شوند رئیس جمهور از پیش و از سوی عمامه دار اعظم و با تأیید بیگانگان منتصب شده است و به گمان بسیار زیاد هم آقای السید محمدخاتمی، روباه بد خط و خال رژیم می باشد.^[1]

ولی مساله دردآور ملی، از امروز مردم ساده دل و زودبارمان همانند ۱۹ سال گذشته یکدیگر را تشویق به شرکت در رای گیری ها می کنند، زیرا که در کمال ساده دلی می پندارند آنانند که با شرکت در رای گیری های رئیس جمهور آینده اشان را بر می گزینند – ولی نا آگاه از آنکه این باصطلاح ”انتخابات“، سیرک، تعزیه و تئاتر روحوضی بیش نیست، تا رژیم از این راه هم آنان را خام ساخته و نه تنها از هر گونه خیزشی که به سقوط رژیم می سرانجامد را جلوگیری نماید و نیز خود را در نزد جهانیان بعنوان یک نظام آزاد و دموکرات جا زده و مدعی شود که از پشتیبانی ملت ایران برخوردار است.

فراموش نشود که اگر رای گیری های رژیم برای مردم ایران، آزادی و بهروزی با خود بهمراه می داشت رژیم استبداد پروانه رای گیری را نمی داد. بنابراین، برگزاری و نتایج رای گیری های در دست رژیم استبداد مذهبی است و شرکت جستن در آن، نه تنها مهر تأییدی بر همه جنایات رژیم است، بلکه شراکت و سهیم شدن در همه جنایات و ایرانفروشی های رژیم نیز می باشد.

رای گیری در جوامع استبدادی

رای گیری نماد "حق گزینش" یک جامعه است و جامعه ای که استبداد بر آن حاکم است و ملتش حتی حق گزینش پوشاک خود را ندارند، بگذریم از آزادی و حق تفکر مخالف داشتن یکی از مبانی رای گیریست که امروزه در ایران وجود خارجی نداشته و با آن شدیداً برخورد می شود و مهمتر همه کاندیداها فیلتری می باشند، رای دادن در چنان جامعه ای به منظور "حق گزینش" نیست. انتخابات سیاسی و رای گیری، معتبرترین، آسان ترین و کم هزینه ترین راه اعلام پشتیبانی یک ملت از نظام سیاسی حاکم می باشد، در نتیجه این رای گیری ها برای یک منظور برگزار میگردد: "مشروعیت بخشی به رژیم تا متضمن بقایش شود."

بنابراین هم میهن، هر رای که در صندوق های رای رژیم ریخته شود و هر گفته یا مقاله ای که تشویق به رای دادن و یا توجیه مبنی بر شرکت جستن در تعزیه و سیرک انتصاب ریاست جمهوری انجام می گردد، نه تنها مهر تأییدی بر دو دهه استبداد مذهبی و مشروعیت بخشی و یاری رسانی به بقای رژیم ایرانستیز^[2] و ایرانفروش^[3] روضه خوانان می باشد، بلکه هر سر بیگناهی که بر سر دار رود؛ هر قطره خون مبارزی که بر زمین مظلومانه ریخته شود؛ هر سر کودک و بالغ بینوایی که بخاطر دزدی ها و چپاول کشور توسط رژیم و مزدورانش گرسنه بخواب رود؛ هر ناله ی ناتوانی که بخاطر زورگویی ها و تبعیضات حاکم بر کشور خاموش گردد؛ هر نفسی که در اسارت متوقف شود؛ هر چشمی که در انتظار آزادی نورچشمش از مخوفگاه ها و شکنجه گاه های رژیم در غم و ناامیدی خاموش شود؛ هر اجحاف و تبعیض و تجاوزی که به دختران و زنان ایرانی روا گردد؛ و هر جنایت و خیانتی که به این کشور و ملت تحمیل گردد، شمایی که رای گیری شرکت می کنید نیز در همه جنایات و خیانت های رژیم شراکت مستقیم داشته و تفاوتی با نظامی که بدان رای می دهید نخواهید داشت.

از آنروی، پیش از رای دادن یا تشویق و توجیه کردن و تطهیر و شستن خون از دستان جنایتکاران، نخست به اعدام ها،

تجاوزات، دزدی ها، اختلاس ها، تبعیضات، اجحافات، ستمگری ها، و کل کارنامه شرکت جستن در جنایات و خیانت های هر چهار ساله کسانی که به شما قول تبدیل آب دریا به دوغ آنهم با یک قاشق ماست را داده اند نگاهی افکنده و سپس از خود پرسید: "رای های گذشته شما آیا بجز تائید و مشروعیت و نیرو بخشیدن به رژیم داشته است، حاصل دیگری هم داشته است؟" - هم میهن، اگر هنوز سر سوزن وجدان، خرد و انسانیت در وجودتان وجود دارد، از خود پرسید، "آیا شراکت در جنایات رژیم کافی نیست؟"

پایان سخن

"هیچ کسی نمی تواند، ملتی را مورد تهدید و ارعاب قرار دهد، مگر آن که همه ما همدست او باشیم"، [4] و شوربختانه اکثریت ما در ۱۹ سال گذشته، بجز خاموشی گزیدن و به تماشا نشستن همه جنایت ها، ایرانستیزی ها و ایرانفروشی های این رژیم جمهوری خونخوار اسلامی حاکم بر کشورمان و بویژه شراکت در سیرک ها و تعزیه های رای گیری، در حقیقت همدست رژیم بوده و تا روزی که سرنگونش نسازیم، همچنان همدست با رژیم و شریک و سهیم در همه جنایات و خیانات آن خواهیم بود. بنابراین، از شرکت جستن در رای گیری ها نمایی خودداری ورزیده و در نابودی کشورمان و هم میهنانمان با رژیم دست نشانده بیگانگان شریک نشویم و همواره در دید داشته باشیم که "خودداری در دادن یک رای، گفتن یک "نه" به حاکمیت استبداد است".

شاپور سورنپهلو

لندن - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۶

پی نوشته ها

۱. اگر برآورد این نگارنده درست باشد و السید محمدخامی به مقام ریاست جمهوری منتصب گردد، بایستی ۴ الی ۸ سال دیگر ملت ایران شاهد اجرای سخن او باشند که در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ بر بالای منبر رفته بود: "... باید اصل سازش ناپذیری و قاطعیت که بارها از زبان رهبر بزرگ انقلاب شنیده ایم، بعنوان پایه و مایه سیاسی خارجی ما تدوین و تنظیم بشود."

۲. با آنکه این نگارنده همواره با واژه سازی برون از حیطه فرهنگی ایران مخالفت ورزیده و بر این باور بوده ام که واژه سازی بایستی از سوی فرهنگستان ایران انجام شود، ولی چون امروزیک رژیم ضد ایرانی در صدر قدرت می باشد و در تلاش است تا زبان تازیان را جایگزین زبان ملی کشور سازد، از آن روی این مسئولیت مهم واژه سازی برای غنی سازی واژگان زبان رسمی، بر عهده و بر دوش زبان‌شناسان می باشد. این نگارنده پس از سال ها تحصیلات دانشگاهی در رشته ایران‌شناسی و زبان های باستانی ایران و نیز فعالیت های فرهنگی، خود را واجد این مهم می داند، از آن روی پیشنهاد می دهد که چندین واژه در توصیف آنانی که چه در درون کشور و چه در برونمرزها، بر ضد فرهنگ ایرانی و هویت ملی فعالیت دارند ساخته و وارد واژگان سیاسی ایران شود که این چند واژه را این نگارنده ساخته و به هم میهنان پیشنهاد می دهد:

الف - ایرانستیز و ایرانستیزی = شخص، جریان یا اندیشه ای که با ایران و ایرانی، فرهنگ ایرانی و هویت و تاریخ ایران دشمنی و سرستیز دارد. این واژه را این نگارنده در سال ۱۹۹۰ ترسای برای اصطلاح انگلیسی 'Iranian-anti' ساخته و برای نخستین بار در مقاله ای در روزنامه "اعدام" با مدیریت آقای حاجیلو بکار برده شد؛

ب - ایرانفروش (ایران+فروش) و ایرانفروشی = واژه های "خائن"، "مزدور خارج/بیگانه" و حتی "وطنفروش" معناهای گسترده ای دارند، ولی واژه ی "ایرانفروش" (یا "ایرانفروشی") معانی خاصی داشته و می توان ویژه مزدورانی بکاربرده شود که در قبال دریافت پول و مواجب، به کشور خود خیانت کرده و ایران را به فروش می رسانند، تا آن کسی که از روی طمع قدرت یا فریب خوردن از دشمن به کشور و ملت ایران خیانت می ورزد؛

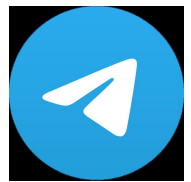
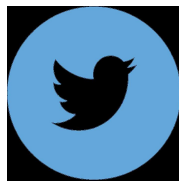
پ - ایرانهراس و ایرانهراسی = بیگانگانی که همواره در تلاشند تا ایران و فرهنگ ایرانی را خطری برای جهان و جهانیان جلوه دهند؛

ت - ایرانستانخواه و ایرانستاخواهی = برابر واژه "تجزیه طلب" و کسانی که دارای اندیشه های تجزیه طلبانه و خواهان تکه پاره ساختن ایران می باشند. بخش نخست این واژه را از شاه فقید وام گرفته ام که پیش از ترک ایران، ایرانیان را از خطر ملایان و خطر تجزیه ایران آگاه ساخته بود که شوربختانه همه خود را داوطلبانه به ناشنوایی زده بودند و می زنند!

3. همان

4 - گفته ادوارد مورو، گزارشگر نامی جنگ جهانی دوم

No one man can terrorize a whole nation unless we are all his accomplices." ~ Edward R. Murrow"



#419ab3

□

رژیم استبداد و مردم زودباور: سیرک و تعزیه ای به نام انتخابات ریاست جمهوری

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
جمعه ۲۶ ارد بهشت ۱۳۷۶ ساعت ۰۹:۳۲
